

من نترسیدم

تو نترسیدی

او نترسید

ما...ما...

موقعیت گذار، گره گشایی و بالاخره موقعیت پسین تقسیم می‌کند و می‌کوشد موقعیت شخصیت‌ها (یا به زبانی ساختارگرایانه، کنش‌گرها) را در هر داستان بازیابی کند و ساختار کلی هر پی‌رفت را براساس این مدل بازشناسد. در این نوشته، تأکید بر بستری است که این عوامل بر گستره آن شکل می‌گیرند و در واقع محیطی داستانی که دربرگیرنده کنش‌گرها، عوامل فرعی و بخش‌های پنجگانه داستان می‌شود. گاه از این عامل، تحت عنوان فضای داستان یاد کرده‌اند، گاهی آن را با مفهوم جهان داستان نشان داده‌اند و گاهی نیز با تسمیح، تحت شمول منطق داستانی گنجانده‌اند. به هر حال، منظور کل فضایی است که عوامل داستان در آن نفس می‌کشند. مثلاً جهان داستانی داستان‌های واقع‌گرا، همان جهانی است که ما در آن نفس می‌کشیم، اما فضای داستانی رئالیسم جادویی، فضایی متفاوت با فضای ماست، این داستان‌ها بالکل از جهانی دیگر برای ما روایت می‌شوند و...

اگر هنگام مطالعه داستان‌های دارن‌شان، به جهان داستانی این اثر دقت کنیم، می‌توانیم دو جهان متفاوت را در آن تشخیص دهیم؛ جهان اول، همان جهانی است که دارن‌شان انسان در آن نفس می‌کشد (جهانی کمابیش واقعی و

ظاهر داستان‌های دارن‌شان، ترسناک می‌نماید. اگر به واژه‌های به کار رفته در این داستان نگاهی بیندازیم، بسامد چشمگیر واژه‌هایی چون شیخ، خون، کشتن و کلماتی از این دست، اطمینان ما را به این نکته که کتاب، از سری کتاب‌های ترسناک است، بیشتر خواهد کرد. اما وقتی کتاب را می‌خوانید، اصلاً نمی‌ترسید؛ فرقی نمی‌کند که نمک خورده باشید یا نه، نیمه شب مشغول خواندن کتاب‌ها باشید یا ظهر و... در این نوشته، خواهیم گفت که چرا کتاب‌های دارن‌شان ترسناک نیست و چرا علی‌رغم تکرار واژه‌هایی از قبیل خون و شیخ و شیخ واره، جادوگر و شب سیاه، نمی‌توان این داستان را داستانی ترسناک دانست.

زمینه داستان، گره داستان
پیش از آن که بحث را ادامه دهیم، می‌خواهم میان محیطی که یک داستان در آن اتفاق می‌افتد و گرهی که در یک داستان ایجاد تعلیق و کنش می‌کند، تفکیک قائل شوم. مدل پنج پایه ساختارگراها، امروزه در جامعه نقد ادبیات کودک و نوجوان ما کمابیش شناخته شده است؛ مدلی که یک روایت یا پی‌رفت کامل را به پنج بخش موقعیت نخستین، گره افکنی،



عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - سبیرک
عجایب - جلد ۱
نویسنده: دارن‌شان
مترجم: سوده کریمی
ناشر: انتشارات قدیانی
نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۳
شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۵۹ صفحه
بها: ۱۵۰۰ تومان



عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - دستیار
یک شب - جلد ۲
نویسنده: دارن شان
مترجم: سوده کریمی
ناشر: انتشارات قدیانی
نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۲
شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۲۸ صفحه
بها: ۱۵۰۰ تومان

معمولی)، اما جهان دوم، جهان شب‌ها (خون‌آشام‌ها؟) است. این دو جهان متفاوت، سازنده پیرنگ‌های متفاوتی نیز هستند. در جهان نخست، گرّه اصلی، بیماری دوست دارن است و گرّه افکنی، به وسیله خود دارن انجام می‌شود، او به شب‌واره تبدیل می‌شود و به این ترتیب موقعیت نهایی شکل می‌گیرد؛ دارن و آقای کرپسلی، دنباله زندگی خود را پی می‌گیرند و از جهان نخستین دورتر و دورتر می‌شوند. از این پس (یعنی از جلد دوم)، همه چیز در جهان داستانی شب‌ها رخ می‌دهد.

شیوه گرّه افکنی در داستان‌های ترسناک
بحث داستان‌های ترسناک و پدیده ترس و چگونگی حضورش در ادبیات، بحثی دراز و کارشناسانه است که هم به علت تخصص



عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - دخمه
خونین - جلد ۳
نویسنده: دارن شان
مترجم: سوده کریمی
ناشر: انتشارات قدیانی
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۲
شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۰۰ صفحه
بها: ۱۵۰۰ تومان

و او به اغما می‌رود. گرّه افکنی با ناتوانی پزشکان و علم پزشکی در تشخیص سم عنکبوت، تکمیل و داستان وارد مرحله میانی یا موقعیت گذار می‌شود. گرّه‌گشایی نیز با حضور آقای کرپسلی آغاز می‌شود. او پیشنهادی هولناک به دارن می‌دهد و دارن با قبول این موقعیت، نقطه عطف داستان را که مردن وی و ورود او به دنیای اشباح است، رقم می‌زند. داستان در موقعیتی نهایی و باثبات، یعنی آغاز سفر دارن و استادش پایان می‌یابد.

همان گونه که پیش از این نیز گفتیم، ساختار روایی داستان با الگوی داستان‌های ترسناک منطبق است؛ دنیای بیگانه و مرموز به زندگی آرام دارن حمله می‌کند. این دنیای مرموز، در سنت غربی ریشه دارد و خون‌آشام‌های ترسناک، مقیمان اصلی آن هستند. انگاره ترس در تقابل

نداشتن نویسنده در این زمینه، از غور در آن معذوریم. آن چه می‌خواهیم بر آن تأکید کنیم، نکته‌ای فوق‌العاده بدیهی و ابتدایی و آن، ویژگی خاص گرّه افکنی در داستان‌های ترسناک است. نمی‌دانم این جمله را چه کسی گفته است که «ناشناخته، ترسناک است». اما شاید کلید واژه گرّه‌افکنی در داستان‌های ترسناک، همین جمله باشد. معمولاً این داستان‌ها، با یک موقعیت عادی آغاز می‌شوند و گرّه افکنی، با تبدیل موقعیت عادی به موقعیتی ویژه (تنهایی، سکوت، تاریکی شب و...) صورت می‌گیرد. البته معمولاً آن چه باعث می‌شود این موقعیت ویژه به گرّه داستانی تبدیل شود، یک بیگانه است؛ عاملی مرموز و معمولاً از جهانی دیگر یا حتی از جهانی نامعلوم که گاه حتی ظاهر هم نمی‌شود، اما حس ترس از ناشناخته را در دل قهرمان و به جان مخاطب خود می‌اندازد. در ادامه نیز با گذار قهرمان یا قهرمانان داستان، به سوی حل معمای بیگانه، بسته به نوع داستان، معمولاً با یکی از گرّه‌گشایی‌ها روبه‌رو می‌شویم: یا بیگانه داستان، به یکی از عناصر معمولی تبدیل می‌شود (مثلاً معلوم می‌شود کل ماجرا شوخی یکی از شخصیت‌ها بوده است) و یا این که بیگانه داستان به مخاطب نشان داده می‌شود و داستان در اوج وحشت پایان می‌یابد (مثلاً جن ترسناک خود را نشان می‌دهد و همه را می‌کشد و داستان پایان می‌یابد) و یا این که موقعیت ویژه‌ای که باعث ایجاد ترس و وجود بیگانه شده بود، از میان می‌رود (مثلاً قهرمانان از خانه‌ای که باعث ترس‌شان شده بود، فرار می‌کنند یا این که شب به پایان می‌رسد و هیچ کس معمای آن شب هولناک را حل نمی‌کند).

کمابیش می‌توان گفت که این، ساختار ثابت و تکرار شونده داستان‌های ترسناک است، حال ببینیم آیا کتاب‌های دارن شان، از این ساختار یا مشابه این ساختار برخوردارند یا خیر؟ البته، باید جلد اول را جداگانه بررسی کرد و سپس به باقی مجلدات این کتاب پرداخت.

جلد اول

ساختار کلی جلد اول کتاب، فارغ از قوت یا ضعف در پرداخت وقایع و شخصیت‌ها، تقریباً منطبق با الگوی فوق است. موقعیت ابتدایی، همان وضعیتی است که دارن در ابتدای کتاب دارد؛ پسری معمولی والته علاقه‌مند به چیزهای عجیب و غریب و اسرارآمیز. موقعیت ویژه، موقعیت دارن و دوستش در سیرک عجایب است که به گرّه افکنی می‌انجامد و سپس دارن، خانم اکتا را می‌دزد و این مرحله دوم است. در مرحله سوم، خانم اکتا استیو، دوست دارن را نیش می‌زند



می‌کشند.

جلد نخست این اثر، از لحاظ ساختاری، می‌تواند داستانی ترسناک تلقی شود؛ اگرچه محاسبه قوت و ضعف این داستان، به علت ضعف مفرط ترجمه (که مصداق بارزش، قرار دادن شبح، به عنوان مترادف خون آشام است) و همچنین نامتعیین بودن ویژگی‌های آن چه می‌توان اثر ترسناک موفقی نامید، کاری دشوار است.

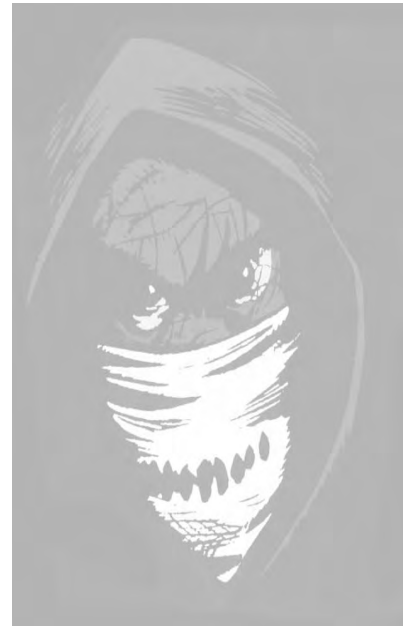
از جلد دوم تا جلد هفتم

پس از ورود دارن به دنیای اشباح، داستانی شگلی دیگرگون به خود می‌گیرد و بالکل فضای اثر عوض می‌شود. دنیای داستانی آشنا و مالوف، این بار دنیای اشباح است و دارن نسبت به دنیای تازه غریبه شده آدم‌های معمولی، حسی آمیخته به نوستالژی، ترحم و ترس دارد.

مؤلف در همان ابتدای جلد دوم، سعی می‌کند خواننده را نیز مانند دارن، به درون دنیای اشباح بکشاند و از طریق بیان قوانین و ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی اشباح، دنیای آنان را برای خواننده توصیف کند. تأکید مؤلف بر این که اشباح هم مثل انسان‌ها گوشت و پوست دارند و دنیای هم‌چون دنیای معمولی ما آن‌ها را دربرگرفته است، قابل توجه به نظر می‌رسد:

«فرو رفتن تکه چوبی درقلب، برق گرفتگی یا ضربه چاقو هم ما را می‌کشد. ما حتی گاهی هم مریض می‌شویم، ممکن است در یک تصادف با اتومبیل بمیریم یا در آب غرق شویم. خوب، البته ما نسبت به آدم‌ها در برابر مرگ مقاوم‌تر هستیم، ولی این طور نیست که جاودانه و آسیب‌ناپذیر باشیم.» (جلد دوم، ص ۲۰)

جلد دوم با این گونه عبارات آغاز می‌شود. در واقع راوی قهرمان، می‌کوشد وضعیت خود را هم‌چون یک شبح، برای خوانندگان توضیح دهد. به عبارات دیگر، ناشناخته تبدیل به آشنا می‌شود و این روند تا پایان جلد هفتم نیز ادامه دارد. در سطح پیرنگ نیز ما شاهد همین وضعیت هستیم. در دو جلد دوم و سوم، ماجراها، در جهان آدم‌های معمولی رخ می‌دهند و هنوز درگیری میان این دو جهان، نقشی محوری دارد. جلد چهارم روایت سفر دارن و آقای کرپسلی است به کوهستان اشباح؛ یعنی دنیایی مطلقاً مخصوص اشباح. جلد پنجم، ششم و هفتم نیز بر محور اتفاقات درون دنیای اشباح پیش می‌رود؛ یعنی ارتباط جهان معمول و جهان اشباح کاملاً قطع می‌شود و جهان اشباح، هم‌چون موطن روایت خاستگاه آن، رخ می‌نماید و جهان واقعی، چونان پس‌زمینه‌ای دور و بی‌ربط، گهگاه به خواننده نشان داده می‌شود. مشخص است که چنین اثری، هر چقدر هم



عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - کوهستان

شبح - جلد ۴

نویسنده: دارن شان

مترجم: سوده کریمی

ناشر: انتشارات قدیانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۲

شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۸۷ صفحه

بها: ۱۵۰۰ تومان

عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح -

آزمون‌های مرگ - جلد ۵

نویسنده: دارن شان

مترجم: سوده کریمی

ناشر: انتشارات قدیانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳

شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۰۳ صفحه

بها: ۱۵۰۰ تومان

خون و خون‌ریزی داشته باشد (که اتفاقاً در این مورد، حضور این‌ها هم چندان پررنگ نیست)، نمی‌تواند اثری ترسناک محسوب شود.

تعلیق، ترس و معما، هیجان‌هایی جداگانه

از جلد دوم به بعد، تنها در تک لحظه‌هایی است که ترس، روح حاکم بر اثر می‌شود. در ساختار اثر، دیگر ترس جایی ندارد؛ چون ناشناخته‌ای در میان نیست. آن چه باعث جذب خواننده به اثر می‌شود، گاهی تعلیق پنهان در ماجراست، گاهی لذت فانتاستیک آشنایی با دنیای دیگرگون و گاهی هم معمایی پیچیده که خواننده را وادار می‌کند داستان را پی بگیرد.

البته این به خودی خود، به هیچ وجه ضعف این داستان‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه این طرح جلد کتاب‌ها و تبلیغات در مورد این اثر است که



عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - شاهزاده اشباح - جلد ۶
 نویسنده: دارن شان
 مترجم: فرزانه کریمی
 ناشر: انتشارات قدیانی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
 شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۱۹۷ صفحه
 بها: ۱۵۰۰ تومان

۱) آدم‌ها مشروبات معمولی و اشباح خون می‌نوشند.
 ۲) آدم‌ها با تلفن با هم تماس می‌گیرند، اما اشباح تله پاتی دارند.
 ۳) آدم‌ها ضعیف‌تر از اشباح هستند.
 ۴) بیشتر آدم‌ها گوشت می‌خورند. در حالی که اشباح حشره و سوسک و قورباغه هم می‌خورند.
 ۵) اشباح بیشتر از آدم‌ها عمر می‌کنند.
 ۶) اشباح سریع‌تر از آدم‌ها حرکت می‌کنند.
 اختلافات میان دنیای اشباح و دنیای آدم‌ها، به مواردی از این قبیل محدود می‌شود؛ وگرنه نوع روابط و شیوه گفت‌وگوها، فاقد استقلالی است که مخاطب را متقاعد کند با دنیای دیگرگونه‌ای روبه‌روست. از طرف دیگر، دنیایی دیگرگونه فقط وقتی معنا ندارد که دنیای واقعی و روزمره نیز در اثر حضور داشته باشد. در حالی که در این کار، خصوصاً در سه جلد آخر، خواننده کاملاً وارد فضای دنیای اشباح می‌شود و با قواعدش خو می‌گیرد، بی‌آن که این دنیا با دنیای واقعی، رابطه‌ای ملموس و تعاملی سرنوشت ساز داشته باشد. به همین دلیل هم هست که دیگرگونگی دنیای اشباح، آن گونه که باید و شاید در اثر برجسته نمی‌شود. تکرار مواردی مانند خون خوردن اشباح، یا سرو کردن وزغ بر سر میز ناهار اشباح، یا ور رفتن آن‌ها با انواع کثافات، تا حدی مشخصی موجب برجسته شدن این دیگرگونگی خواهد شد و بعد از مدتی، دیگر خون نوشیدن قهرمان‌های داستان، چندان شگفت‌انگیز نمی‌نماید. دنیای دارن‌شان. دنیای مستقلی نیست، بلکه تقلیدی ناشیانه از دنیای واقعی آدم‌هاست؛ نوعی تمثیل جهت‌دار است و نه خلاقیتی جذاب.

عنوان کتاب: قصه‌های سرزمین اشباح - شکارچیان غروب - جلد ۷
 نویسنده: دارن شان
 مترجم: فرزانه کریمی
 ناشر: انتشارات قدیانی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
 شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۲۲۱ صفحه
 بها: ۱۵۰۰ تومان

دارن شان، شرکت هیولاها بنا براین، ماجراهای دارن شان، نه تنها ترسناک نیست، بلکه از اول هم احتمالاً قرار نبوده ترسناک باشد؛ همان طور که قطعاً شبح بودن برای خود شبح، چیز ترسناکی نخواهد بود. اگر بخواهیم دارن شان را با اثر دیگری مقایسه کنیم، کارتون سینمایی شرکت هیولاها، نمونه خوبی می‌تواند باشد؛ چرا که هر دو به حوزه‌های دست‌اندازی کرده‌اند که تا پیش از این برای مخاطبان‌شان، منبع ترس و وحشت بوده است: دارن شان خون آشام‌ها را محملی قرار داده تا داستانی رمانس گونه بسازد و شرکت هیولاها، از کابوس‌های شبانه مایه گرفته تا مخاطبان‌ش را بخنداند. اما آیا قوت پرداخت شخصیت‌ها، دیگرگونگی دنیای دیگر و تحمیل قواعد این دنیای جدید به مخاطب، در این دو اثر با هم قابل

شگفت‌انگیز می‌نماید (یکی از عجایب هم همین که در ویژه نامه ادبیات ترسناک کتاب ماه، این کتاب به عنوان اثر اصلی مورد نقد برگزیده می‌شود؛ کتابی که اصلاً نمی‌تواند ترسناک باشد و احتمالاً نویسنده‌اش هم چنین ادعایی ندارد).

دنیای اشباح، دنیای دیگر؟

همان گونه که گفتیم، در نگاه اول به نظر می‌رسد که ساختار کل کتاب، نظم و روندی منظم و درونی دارد و صفحه به صفحه، خواننده را از دنیای روزمره جدا می‌کند و با دنیای دیگر آشنا می‌سازد، اما آیا دنیای اشباح، واقعاً دنیایی دیگر است؟ آیا واقعاً قواعد و اصول حاکم بر این دنیا، تفاوتی بنیادی با دنیای روزمره دارد؟ قبل از پاسخ به این سؤال، اجازه دهید تفاوت این دو دنیا را در بندهای زیر بازگو کنیم:

مقایسه‌اند؟ آیا دنیای دارن شان، به اندازه شرکت هیولاها باورپذیر است؟ من در جایگاه یک منتقد ادبی، با استناد به مشخص نبودن قواعد دنیای اشباح از دنیای واقعی و روزمره، شخصیت‌پردازی ضعیف داستان و نقاط ضعف دیگر داستان‌های دارن شان، از منظری ادبی، این کتاب را شایسته تحسین نمی‌دانم، اما شاید مخاطب نوجوان کتاب، مخاطبی که من او را نمی‌شناسم، اما برایش احترام قائلم، کتاب را بخواند و خوشش بیاید. علت این خوش آمدن را از آنانی بپرسید که از نوجوان امروز ما شناختی علمی دارند. و سرانجام یک نکته کوچک، کاش قبل از این که مسئولان محترم کتاب ماه، این کتاب را برای بررسی در ویژه نامه ادبیات ترسناک انتخاب می‌کردند، لاقلاً یک جلد از آن را خوانده بودند. آن وقت شاید بررسی این اثر، در این مجموعه رخ نمی‌داد!